

۲۴۷۶۵۸۹

ضد سرمایه‌داری

اما پرچام و جان چارلتون

مترجم: حسین اقبال طالقانی

www.ketab.ir

انتشارات آزاد مهر

اما بیرجام و جان چارلتون
ضد سرمایه‌داری اما بیرجام و جان چارلتون ترجمه حسین اقبال طالقانی

تهران آزادمهر ۱۴۰۳

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۸۸۳-۳۴-۳

فهرست نویسی: فیبا

عنوان اصلی: *anti capitalism*

چاپ قبلی: قطره و آزادمهر ۱۳۸۳

واژه نامه: سرمایه‌داری، جهانی شدن، جنبش‌های مخالف، چارلتون، جان

رده بندی کنگره: HB501

رده بندی دیویی: ۱۲۲/۳۳۰

شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۹۰۹۹۵

۰۲۱۸۸۸۴۸۶۱۶

انتشارات آزادمهر

نام کتاب: ضد سرمایه‌داری

نویسنده: اما بیرجام و جان چارلتون

مترجم: حسین اقبال طالقانی

نوبت چاپ: دوم، اول ناشر ۱۴۰۳

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۸۸۳-۳۴-۳

قیمت: ۳۸۸۰۰۰ تومان

شمارگان: ۱۰۰۰

آدرس: تهران، خیابان کریم‌خان، خ میرزای شیرازی، کوچه چهار، پلاک ۱۶.

فهرست

۷	پیش درآمد
۱۱	پیشگفتار
۱۵	موضوعات
۱۷	جهانی سازی تحت رهبری شرکت ها
۳۷	گات
۵۷	دیون
۷۳	محیط زیست
۸۹	نیروی کار
۱۰۳	زنان
۱۱۵	انحصارات دارویی
۱۳۹	غذاهایی با مواد اصلاح شده ژنتیکی
۱۵۵	جنگ
۱۶۹	مهاجرت
۱۸۱	مناطق
۱۸۳	آمریکای لاتین
۱۹۳	آمریکای شمالی
۲۰۹	اروپای غربی
۲۲۳	خاورمیانه
۲۳۷	آفریقا
۲۵۳	روسیه و اروپای شرقی
۲۶۷	چین
۲۷۹	هندوستان
۲۸۹	شرق آسیا

۳۰۷	 استرالیا، نیوزیلند و ملانزی
۳۲۱	 فعالین
۳۲۳	 راهنما
۳۵۹	 اتحادیه‌ها
۳۷۳	 دانشجویان
۳۹۳	 آنارشیست‌ها
۴۰۱	 سوسیالیست‌ها
۴۱۱	 مبارزات و رویدادها
۴۱۳	 روز شمار مبارزات ضد سرمایه‌داری
۴۱۷	 مبارزه
۴۴۵	 آینده
۴۴۷	 اکنون در چه مرحله‌ای قرار داریم
۴۸۵	 مؤخره
۴۹۳	 فرهنگ اختصارات انگلیسی - فارسی

به گمانم واقعاً در حال جنگ باشیم.

دشمن ما کل نظام مبتنی بر شرکت‌ها است. هدف این نظام شرکتی، خواه شرکت‌های مالی یا صنعتی، این است که تا زمانی که می‌خواهد پول در آورد قادر باشد هر جا دلش بخواهد برود، هر چه دلش بخواهد، هر گاه بخواهد و هر چقدر که بتواند تولید کند. هدف کسب سود است و هر اقدامی که به این هدف یاری رساند مطلوب است و هر اقدامی که در برابر آن قد برافرازد نامطلوب.

اگر دشمن همین شرکت‌های چند ملیتی باشند که به دنبال نظارت کامل هستند، به گمانم پرواضح است که واکنش ما نیز باید جنبه‌ای فراملی داشته‌باشد و گروه کثیری از مردم را در برگیرد. ما توتالیتاریسم نمی‌خواهیم و دنبال چنین هدفی نیستیم. ما خواهان دموکراسی بین‌المللی هستیم. اما اگر سودای دست‌یابی به چنین دموکراسی را داریم، مجبوریم به خاطر یک‌دیگر مبارزه کنیم. هر کسی که در معرض تهدید هستیم. اگر یکی برای همه و همه برای یکی مبارزه نکنیم یکی یکی هدف قرار می‌گیریم. امروز اگر شما می‌جنگید و من می‌خواهم شمار را متقاعد سازم که در حال جنگ هستیم باید به این نیز بیاندیشید که متحدان شما چه کسانی هستند. آیا دولت‌های ما متحدان ما به‌شمار می‌آیند؟ با کمال تأسف باید بگویم دولت‌های اندکی در این نبرد ما را یاری می‌کنند. یک دولت دایمی وجود دارد که دولت شرکت‌های صنعتی مالی است. هر چند وقت یک‌بار به ما اجازه می‌دهند مردان شیک‌پوشی را برگزینیم (و آن‌ها عمدتاً مرد هستند) که دست‌نویسی را برای دولت دایمی می‌خوانند.

به نظر می‌رسد که دولت مرگ خود را می‌پذیرد. دلیل آن را نمی‌دانم. ما با این تضاد در جریان مبارزه‌ی ضد موافقت‌نامه‌ی چندجانبه در خصوص سرمایه‌گذاری (MAI) جنگیدیم. چرا دولت ما آماده بود همه چیز را رها کند و چیزی عایدش نشود؟ تنها پاسخی که می‌توانست به ذهنم برسد ۱۵۰ سال پیش در سندی آمده‌است که می‌گوید: «دولت کمیت‌ی دایمی

برای اداره‌ی امور عمومی بورژوازی است». به مرحله‌ای رسیده‌ایم که باید توقف کنیم و دست به تغییری اساسی بزنیم. کم‌ترین کاری که می‌توان انجام داد سرنگونی دولت دایمی شرکت‌های چند ملیتی است. اگر نسبت به هم تعهد داشته باشیم می‌توانیم پیروز شویم چرا که تاریخ فرصت گران‌بهایی را در اختیار ما قرار داده‌است و باید از آن استفاده کنیم. سوزان جرج، سیاتل، نوامبر ۱۹۹۹

پیش درآمد

اما برچام^۱

پیروزی از آن ما است.

زمانی که دومین ویرایش این کتاب به دست چاپ سپرده می‌شد، آثار تظاهرات جنوا^۲ هم‌چنان در پهنه‌ی جهان طنین‌افکن بود، پلیس ایتالیا به طرز بی‌رحمانه‌ای به تظاهرات خیابانی یورش برد و جوان معترضی به ضرب گلوله‌ی پلیس جان باخت. روز بعد صدها هزار نفر از بیش از پنجاه کشور به جنوا آمدند تا نشان دهند هراسی به دل نداریم و متفرق و جدا نخواهیم شد. ما رشد می‌کنیم، نیرو می‌گیریم و عزم‌مان را جزم می‌کنیم.

شعار مجمع اجتماعی جنوا^۳ این بود «شما هشت گروه هستید ما ۶ میلیارد نفر». گروه‌های مختلفی در دستان هم را فشردند و با اداو اطوار عکس گرفتند. هزینه‌ی این تظاهرات برای مالیات‌دهندگان سه برابر بودجه‌ی بهداشت عمومی کشور تانزانیا بود. هیچ یک از دیون جدید کشورهای در حال توسعه ملغی نشد. رهبران ما این آمار را می‌پذیرند که روزانه ۱۹۰۰۰ کودک در کشورهای در حال توسعه می‌میرند تا بانکداران غربی بتوانند بهره‌ی دیون غیرقابل پرداخت را دریافت کنند. این رهبران فقط نمی‌خواهند کاری در این خصوص انجام دهند. به نظر می‌رسد که اکثریت جمعیت جهان - طبق برآورد سازمان ملل ۱/۲ میلیارد نفر در شرایط فقر شدید زندگی می‌کنند - جزو کسانی نیستند که به تمایلات این سیاستمداران رأی دهند. زمانی که ۳۰۰/۰۰۰ تن از ما در خیابان‌ها رودرروی آن‌ها می‌ایستیم، زمانی که ما تظاهرات منسجم و متحدی را در ۵۰ کشور دیگر دنیا برگزار می‌کنیم، آن‌ها با تمام توان خود می‌کوشند ما را بی‌اعتبار سازند، پراکنده کنند و از میان بردارند.

1. Emma Bircham

2. Genoa

3. Genoa Social Forum

در جنوا آن‌ها موفق نشدند.

وقتی اولین چاپ این کتاب بیرون آمد، ما دقیقاً شاهد بودیم که در گوتنبرگ^۱ از مهمات جنگی واقعی علیه معترضان استفاده شد که در زمان اجلاس سران اتحادیه‌ی اروپا دست به تظاهرات زده بودند. جنوا تأیید مسیر مرگباری است که دولت‌های جهان می‌خواهند اوضاع را بدان سو به‌کشانند. این دولت‌ها به جای آن‌که به مشکلات و مسایل مورد اعتراض بپردازند، ترجیح می‌دهند به انسان‌هایی حمله کنند که صدای اعتراض‌شان طنین‌افکن است.

آن‌گاه که صدها هزار تن متفق و یک صدا اما به زبان‌های مختلف در خیابان‌ها فریاد برمی‌کشند «جهان دیگری ممکن است» همین کلمات است که به تدریج شکل می‌گیرد و به آینده‌ای اشاره می‌کند که منافع مردم بر سود، و منافع افراد بر منافع شرکت‌ها مقدم خواهد بود. فایده‌ی سرمایه‌داری تمام شده است. سرمایه‌داری آن‌چنان نابرابری ایجاد کرده است که در کل تاریخ بشری سابقه ندارد. امروزه سه نفر بیش از ۴۳ کشور از فقیرترین کشورهای دنیا ثروت در دست‌های مدیدی است که توزیع مجدد ثروت از تهی‌دستان به ثروت‌مندان دارد و کل فضای جامعه را فاسد و بی‌ارزش ساخته است. جهان دیگری لازم است.

زمانی که سیاست‌گذاران جهانی تصمیم گرفتند برای مذاکرات بعدی سازمان تجارت جهانی در صحرای قَطْر و برای همایش بعدی گروه ۸ در شهر کوچک کانادایی کاناسکیس^۲ نهان شوند ما در خیابان‌ها فریاد برکشیدیم: «عالی است، آن‌ها را فراری دادیم.» به هیچ وجه پاسخ اعتماد رهبران این نبود که آن‌ها به نفع مردمی که ادعای نمایندگی‌شان را دارند قدم برمی‌دارند. این رهبران غلامان حلقه به گوش شرکت‌ها هستند و به درستی که مایه‌ی هراس مردمی را که سلامت و رفاه‌شان را در مسلخ سود قربانی می‌کنند فراهم می‌سازند.

«همبستگی». آنچه تظاهرات جنوا مخصوصاً نشان داد این بود که از هم نخواهیم گسست. آنچه صدها هزار عضو اتحادیه‌های کارگری، سوسیالیست‌ها، آنارشئیست‌ها، طرفداران محیط زیست، فعالین حقوق بشر، مبارزان مذهبی و سایرین نشان دادند این بود که در عمل می‌توان متحد شد. جنوا آزمونی بود برای جنبش ضدسرمایه‌داری. ما از این آزمون سربلند بیرون آمدیم و بیش از هر زمانی اعتماد به نفس پیدا کردیم. در مؤخره‌ی این چاپ، تام بی‌بن^۱ حوادث جنوا را بررسی می‌کند و راهی پیش روی جنبش می‌گذارد.

تظاهرات گسترده از سیاتل تا جنوا بحران حیرت‌آور مشروعیت را نشان می‌دهد - که از زمان جنگ ویتنام بی‌همتا بوده است. دولت‌ها و شرکت‌هایی که به نام ما حکومت می‌کنند نشان داده‌اند که به نحوی خارق‌العاده توان چنین کاری را ندارند. مجبور شده‌ایم که برای دفاع و صیانت از جهان خود از یکدیگر حمایت کنیم که به طرز فاجعه‌آمیزی آن را به مسیری خطا می‌رانند، به خیابان‌های ما راه می‌دهند. ممکن است خَدَم و حَشَم آن‌ها مدتی برای سراسیمه سازد، اما سرمایه‌داری ذاتاً قدرت خود را از ما بدست می‌آورد. ما آدم‌هایی هستیم که ثروت آن‌ها را ایجاد می‌کنیم، پس فقط باید ایجاد ثروت را به نفع همه تغییر داد. این آن پروژه‌ی بنیادین است که از دل جنبش ضد سرمایه‌داری، زمانی که تظاهرات خیابانی به تدریج به اعتصابات، اعتصابات گسترده، پیوند می‌خورد و تمام دنیا را فرا می‌گیرد، سر بر خواهد آورد. معنی ضد سرمایه‌داری همین است: نوید فرا رفتن از سرمایه‌داری به سوی دنیایی دموکراتیک‌تر و رادیکال‌تر، دنیای خودحاکمیتی^۲، و خودکفایی^۳.

زمانی که تونی بن^۴ در سخنرانی خود در فوریه‌ی امسال در آغاز

1. Tom Behan

2. self- government

3. self-sustaining

4. Tonny Benn

گردهمایی کنفرانس مقاومت جهانی در لندن اعلام کرد: «دیگر در وضعیت تدافعی نیستیم»، تشویق رعدآسای حضار برخاست. چنین درکی از نظر هزاران فعال حاضر در آن‌جا که در سال‌های دشوار دهه‌ی ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در کنار هم یا به‌طور انفرادی تحت شرایط دخالت‌های سبعانه‌ی تاجریسم و گردش به راست سریع حزب نوین کارگر فعالیت کرده بودند واقعی می‌نمود.

از زمان سیاتل تصویر وسیع‌تری در اذهان جلوه‌گر شده است و جنوا آن را تقویت کرد. این تصویر نشان می‌داد که دیگر در جهان خصوصی، کوچک و بی‌نظم شده‌ی خود تنها نیستیم، جزیی از جنبشی هستیم که عزمش را جزم کرده است تا در برابر این دنیا دست به کاری بزند، جنبشی که به این نتیجه رسیده است جای‌گزین این نظام امری ممکن است. به این درک نایل آمده‌ایم که در این گوشه‌ی دنیا در یک عرصه‌ی زندگی ما را سرکوب می‌کند. جهان نظامی است که آشفتگی و ویرانی خود را در عرصه‌ی دیگری فرو می‌ریزد. پیوندهایم که تغییر بنیادین در جامعه ضروری است.

هدف کتاب حاضر این است که به فعالین جنبش با هر نوع گرایشی که دارند این شناخت را بدهد که لازم است با مبارزان حوزه‌های دیگر مبارزه و کسانی که در کشورهای دیگر جهان فعالیت می‌کنند اتحاد آگاهانه‌ای برقرار کنند تا از هم جدا نشویم. این کتاب هم‌چنین قصد دارد بحث درباره‌ی این‌که مقصودمان کجاست و چگونه به آن خواهیم رسید را ادامه دهد تا در عمل متحد شویم.

چیزی نداریم که از دست بدهیم، اما بسیاری از چیزها را به‌دست می‌آوریم.

درباره‌ی نویسنده :

اما برجام ناشر کتاب‌های بوک مارک است.

پیشگفتار

جرج مونبیوت^۱

بزرگ‌ترین امتیاز نئولیبرال‌ها این است که فقط یک نگرش دارند. این نگرش - این که جامعه باید تمام علایق دیگر را به پیروی از منافع شرکت‌های بزرگ وادارد- در یک آزمایشگاه شیکاگو نطفه بست و تکثیر شد، و بعدها در کوران سیاست ثمر داد و در سراسر جهان پرورانده شد. این نگرش که یک‌دست، در تمامی موارد قابل کاربرد و به صورت بهداشتی سرهم‌بندی شده است با هیچ یک از دشواری‌هایی مواجه نشد که سایر دیدگاه‌هایی که در کوران مشکلات دنیای واقعی رشد یافته بودند با آن مواجه شده بودند.

در مقابل، ما، یعنی مخالفان نئولیبرالیسم، با تمام توان خود تحلیل می‌رویم. خلاقیت ما، تنوع ما، هر یک از ما را تشویق می‌کند به شیوه‌ی محدود و غیرمتعارف خود با مسئله‌های آن‌ها مبارزه کنیم. سالی یک‌بار گرد هم می‌آییم و نیروی پرابهت و پویای جمعی خود را به نمایش می‌گذاریم، سپس پراکنده می‌شویم و تا سال بعد به تندرست با هم تبادل نظر می‌کنیم و در این فاصله یکی یکی آماج گلوله قرار می‌گیریم.

جدایی ما دلایل متعددی دارد. به این نگرش نرسیده‌ایم که همه‌ی ما را - کارگران، طرفداران محیط زیست، مخالفان خصوصی‌سازی، مدافعان رفاه محلی، حقوق بشر و مبارزان عدالت اجتماعی - نیروهای جهانی واحدی تهدید می‌کند. اختلافات ایدئولوژیک و بدگمانی نسبت به تاکتیک‌های یک‌دیگر ما را از هم جدا کرده است. از همه مهم‌تر آن که هنوز در نیافته‌ایم در صورت همکاری با هم تا چه اندازه نیرومند خواهیم شد.

اما طرف مقابل از نیروی تأثیرگذار ما باخبر است. به همین دلیل دولت‌های سراسر جهان قوانین بازدارنده‌ای را تصویب کرده‌اند که به آن‌ها

اجازه می‌دهد ما را زیر نظر گرفته و شنود کند، آزادی ما را محدود و مبارزه‌ی ما را جرم بنامند. نئولیبرال‌ها می‌دانند که اگر چه ثروت و قدرت دولت را به‌چنگ آورده‌اند اما نمی‌توانند بر این واقعیت مهیب چشم فروبندند که: «ما بسیاریم، آن‌ها اندک» یگانه دلیل بی‌قدرتی ما این است که به‌گونه‌ای رفتار می‌کنیم که انگار راه دیگری وجود دارد.

اما از زمان اعتراضات در سیاتل، جنبش‌هایی با هزاران نفر که با نئولیبرالیسم به مقابله برخاسته بودند به وجود یک‌دیگر پی‌بردند و حتی در برخی از موارد به پشتیبانی یک‌دیگر برخاستند.

اگر این جهان برای حراج شدن نیست، ما باید این احترام متقابل در حال رشد را به بسیجی همگانی تبدیل کنیم. حرکتی که سالی چند روز نباشد بلکه دائمی و در تمامی نقاط زمین صورت گیرد. به اعتقاد من مقاومت جهانی نخستین شاخصه‌هایی است که نشان می‌دهد چنین وضعیتی در حال پدید آمدن است.

همایش‌هایی که در فوریه در پاریس بریتانیا برگزار کردیم، الهام‌بخش‌ترین همایش‌هایی بودند که تا کنون دیده‌ام. این همایش‌ها افراد بسیار زیادی را که تا پیش از این هرگز با هم سخن نگفته بودند گرد هم آوردند. هر کجا که قدم نهادیم حس هیجان و پس از آن حس شور و شغف را مشاهده کردیم، چون که مردم به تدریج متحدان طبیعی خود را در مبارزه که پیش از این نسبت به آن‌ها بی‌توجه بودند تشخیص می‌دادند. تعداد کمی هم از این همایش‌ها باز می‌گشتند بدون آن که درک کنند چیزی بزرگ، واقعاً بزرگ در حال آغاز است. امروزه باید این شور و سرور را به حرکت در آوریم تا مطمئن شویم که هیچ کس دوباره به تنهایی مبارزه نخواهد کرد. این کتاب راهنمای جنبش است. کتاب ضد سرمایه‌داری به ما کمک می‌کند تا این کار را انجام دهیم.

تصور نمی‌کنم تا کنون کتابی را خوانده باشم که حاوی دیدگاه‌ها و چشم‌اندازهایی تا بدین حد متفاوت باشد و در عین حال هدف واحدی را

بیان کند. دقیقاً تا دو سال پیش چنین کتابی غیرممکن بود. بسیاری از سوسیالیست‌ها، آنارشیست‌ها، جبهه‌ی سبزها، فعالین مستقیم^۱، اتحادیه‌های کارگری، اساتید دانشگاه‌ها و بخش‌های کارگران داوطلب که در این مبارزه سهیم بوده‌اند، هرگز راضی نمی‌شدند در یک مجموعه قرار گیرند. اما اتحاد آن‌ها یکی از واضح‌ترین نشانه‌های آگاهی نوین در همین جا است که من دیده‌ام: مردم امروزه حاضرند به‌طور آشکار و عمومی در ائتلاف مقاومتی شرکت کنند که برخی از مخالفان پیشین آن‌ها را نیز در بر می‌گیرد.

در این کتاب مجموعه‌ای از این مسائل مطرح شده است که نشان می‌دهد در دو سه سال گذشته جنبش تا چه حد فراتر رفته است. به کسی اجازه نمی‌دهیم ما را به طرح یک موضوع سیاسی خاصی متهم کند: بخش زیادی از تجربه‌ی کسانی در این مجموعه ارایه شده است و هر یک از نویسندگان به خوبی می‌توانند موضوع مورد بحث کاملاً از موضوع بحث دیگر جدایی‌ناپذیر است.

گرد آوردن چنین مجموعه‌ای که علاوه بر ایدئولوژی‌های بسیار مختلفی را کنار هم قرار می‌دهد کار ساده‌ای نیست. تفاوت‌ها آشکار خواهد شد. هرچند به اعتقاد من در صورت محترم شمردن مواضع یک‌دیگر بی‌آن‌که تعهدی نسبت به آن‌ها برای ما ایجاد شود جنبش به خودی خود بسیاری از اختلافات را از میان خواهد برد و حتی در خصوص راه‌حل‌های آشوبگرانه نیز می‌توان از طریق ذهنیت جمعی - که همیشه زمانی که مردم آزادانه سازمان می‌یابند، پدیدار می‌شود - به توافق رسید.

به اعتقاد من این مجموعه از دو جهت به ما کمک می‌کند: وحدت نوین خود را استحکام بخشیم و نبرد خود را برای رهایی دنیا از چنگال شرکت‌های چپاولگر و دولت‌های گوش به فرمان‌شان به پیش ببریم. زمان آن است که خلاقیت، تنوع و اعتبارخود را نه در حکم مسئولیت بلکه

^۱. direct activists

به‌مثابه‌ی دارایی خود به کار گیریم. اگر بتوانیم این کار را به‌طور روزانه انجام دهیم آن‌گاه بار دیگر جهان از آن مردمانش خواهد شد.

درباره‌ی نویسنده :

جرج مون‌بیوت نویسنده‌ی کتاب تسخیر دولت^۱ و عضو کمیته‌ی رهبری مقاومت جهانی است.

www.ketab.ir